استراتژیک

بازدارندگی هسته‌ای در خاورمیانه

نشریه داخلی دانشگاه آمریکایی استنفورد در مقاله‌ای با اشاره به دهها سال مداخلات نیروهای خارجی در منطقه خاورمیانه، راهکار دستیابی این منطقه پرآشوب را دستیابی ایران، عربستان سعودی و ترکیه به سلاح هسته‌ای دانست.

در گزارش نشریه «استنفورد ریویو» آمده است: ۷۵ سال است که مداخلات خارجی و نهادهای داخلی ضعیف، خاورمیانه را در چرخه جنگ گرفتار کرده است. هر خلأ قدرتی را دیکتاتورها پر کرده و نتیجتاً جنگ‌های نیابتی بی‌پایان و بی‌ثباتی، امنیت و بازارهای انرژی را تهدید می‌کند. صلح پایدار از مداخلات مداوم یا مذاکرات صلح آرمان‌گرایانه حاصل نمی‌شود، بلکه زاده توازن قوایی است که در آن هیچ کشور بزرگی نمی‌تواند بر دیگران تسلط یابد.

نویسنده ضمن مخالفت با استدلال «اکثر سیاست‌گذاران غربی» که «بدترین سناریوی ممکن برای خاورمیانه» را «ایران مسلح به سلاح هسته‌ای» می‌دانند، ادامه داد: اگر ایران موفق به دستیابی به بمب هسته‌ای شود، عربستان سعودی و ترکیه نیز قطعاً از این الگو پیروی خواهند کرد. در نتیجه، خاورمیانه تبدیل به منطقه‌ای با چند قدرت هسته‌ای و امن‌تر و باثبات‌تر خواهد شد.

در ادامه این مقاله آمده است: بر اساس این منطق که نخستین بار کنت والتز (Kenneth Waltz) نئورئالیست بیان کرد، ۲ رقیب دارای توانمندی‌های هسته‌ای نمی‌توانند خطر جنگ را بدون در نظر گرفتن نابودی یکدیگر به جان بخرند، بنابراین هر ۲ با احتیاط شدید عمل خواهند کرد. این استدلال در مورد ایران نیز صدق می‌کند.

علیرغم تصویرسازی غربی که حکومت حاکم بر ایران را غیرعقلانی می‌نمایاند، دولت ایران بر اساس دکترین راهبردی «مصلحت» اداره می‌شود که صراحتاً منافع ملی و بقای حکومت را بر ایدئولوژی اولویت می‌دهد.

نویسنده با یادآوری آنکه «از سال ۱۹۴۵، هیچ ۲ کشور مسلح به سلاح هسته‌ای هرگز وارد یک جنگ تمام‌عیار نشده‌اند»، افزود: همین وحشت از سلاح‌های هسته‌ای است که آن صلح را تقویت می‌کند.

راهبرد نیابتی ایران به این دلیل وجود دارد که فاقد بازدارندگی هسته‌ای بوده و بنابراین از طریق حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی، در برابر قدرت متعارف اسرائیل و آمریکا می‌ایستد. با در اختیار داشتن بمب هسته‌ای، این انگیزه کاهش می‌یابد. ایران دلایل زیادی برای حفظ کنترل کامل بر زرادخانه هسته‌ای خود دارد، زیرا نمی‌تواند رفتار گروه‌های تحت حمایت خود را کنترل یا پیش‌بینی کند.

همین استدلال در مورد منطقه خاورمیانه نیز صدق می‌کند. عربستان سعودی و ترکیه قدرت‌های انقلابی نیستند. هر دو کشورهایی هستند که در پی امنیت و بقا هستند. سیاست خارجی ریاض معامله‌گرایانه بوده و ریشه در حفظ حکومت دارد. جاه‌طلبی‌های آنکارا نیز یکسان است. هسته‌ای شدن این دو برای ایجاد تعادل در خاورمیانه خواهد بود، نه تسلط بر آن.

دیپلماتیک

پیام‌های متناقض آمریکا درباره مذاکرات هسته‌ای

معاون وزیر امور خارجه ایران در نشست راهبردی ابوظبی تاکید کرد که «دولت آمریکا از طریق طرف‌های سوم پیام‌های متناقضی درباره مذاکرات هسته‌ای مخابره می‌کند». «سعید خطیب‌زاده» معاون وزیر امور خارجه دیروز(سه‌شنبه) گفت که آمریکا از طریق کشورهای طرف سوم پیام‌های متناقضی درباره مذاکرات هسته‌ای می‌فرستد.

خطیب‌زاده در دوازدهمین نشست راهبردی ابوظبی گفت تنها در چارچوب فرمایشات مقام معظم رهبری، دستیابی به یک توافق ممکن است.وی تاکید کرد با توجه به اقدامات واشنگتن بر علیه ایران، فعلا در نقطه مذاکره قرار نداریم. طبق گزارش رویترز، معاون وزیر خارجه ایران همچنین تاکید کرد که جمهوری اسلامی ایران بر سر مسائل امنیت ملی مصالحه نخواهد کرد.

او بر موضع تهران مبنی بر این که ایران به دنبال تسلیحات اتمی نیست، تاکید کرد و گفت که ایران به برنامه هسته‌ای مبتنی بر توان داخلی خود افتخار می‌کند. دولت آمریکا به‌رغم مشارکت فعالانه ایران در روند دیپلماتیک غیرمستقیم با دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا برای دست یافتن به راهکاری مذاکره‌شده برای محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران در ازای لغو تحریم‌های آن با خیانت آمریکا به دیپلماسی به واسطه حمایت آن از حمله متجاوزانه رژیم صهیونیستی به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران مواجه شد.

این حملات در میانه مذاکرات غیرمستقیم تهران-واشنگتن با میانجیگری عمان در ۲۳ خردادماه آغاز شد و با آتش‌بس در ۳ تیرماه پایان یافت.

رئیس‌جمهور آمریکا که اذعان کرده است مسئول این حمله به ایران بوده، مدعی تمایل ایران به توافق با واشنگتن است. این در حالی است که به گفته «اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، «آمریکایی‌ها بیان می‌کنند که می‌خواهند توافق کنند، ولی در واقع نمی‌خواهند و هیچ اقدامی عملی برای توافق انجام نمی‌دهند و برعکس عمل می‌کنند.

او تاکید کرد: آن‌ها در عمل نشان دادند که هیچ حسن نیت و جدیتی در این زمینه ندارند.

رئیس‌جمهور آمریکا که با مشارکت مستقیم در تجاوزگری رژیم صهیونیستی علیه ایران در اول تیرماه تاسیسات اتمی ایران در اصفهان، نطنز و فردو را بمباران کرد، مدعی از بین رفتن برنامه هسته‌ای ایران در این حملات است و با گزافه‌گویی خواستار غنی‌سازی صفر در ایران شده است.

اکونومیک

هشتمین جلسه ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی

معاون دیپلماسی اقتصادی در نشست ستاد هماهنگی اقتصادی با تاکید بر راهبرد کشور جهت توسعه روابط اقتصادی با همسایگان، توجه بیش از پیش به حوزه حمل و نقل و ترانزیت در کشور را ضروری دانست. هشتمین جلسه ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی به ریاست «حمید قنبری» معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه و با حضور معاونین اقتصادی دستگاه‌های اجرایی کشور در محل وزارت امور خارجه برگزار شد. در این جلسه «جبارعلی ذاکری» مدیر عامل شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران، ضمن ارائه آخرین وضعیت زیرساخت خطوط و ناوگان ریلی کشور، به تشریح تفاهم نامه‌های ترانزیتی و ظرفیت‌های همکاری بین‌المللی در تکمیل محورهای مواصلاتی ریلی پرداخت. قنبری معاون دیپلماسی اقتصادی و رئیس ستاد هماهنگی روابط اقتصادی با تاکید بر راهبرد کشور جهت توسعه روابط اقتصادی با همسایگان، توجه بیش از پیش به این حوزه را ضروری دانست. «منوچهر مرادی» دستیار وزیر و مدیر کل اوراسیای وزارت امور خارجه ضمن اشاره به روابط دوستانه و راهبردی دو کشور ایران و روسیه، به تشریح روند رو به رشد همکاری‌های اقتصادی دو کشور پرداخت و بر تداوم پیگیری موضوعات در دستور کار دستگاه‌های اجرایی بر اساس موافقتنامه جامع راهبردی دو کشور تاکید کرد.

آب به سلاح راهبردی ترکیه در خاورمیانه تبدیل شده است

قدرت هیدروپولیتیک عثمانی

هیدروپلیتیک یا سیاست مرتبط با کنترل و بهره‌برداری از منابع آبی، به ویژه در رودخانه‌های فرامرزی مانند فرات و دجله، از دهه ۱۹۸۰ میلادی به طور فزاینده‌ای به عنوان ابزاری راهبردی در سیاست خارجی ترکیه ظاهر شد.

به گزارش ایرنا این سیاست همزمان با اعمال قدرت نظامی، توسعه انرژی و ترانزیت در برخی از برهه‌ها، همراه شد که عملیات ضدتروریستی در سوریه و عراق، بهره‌برداری از سدها برای تولید برق و لوله‌کشی‌های انرژی و آب از مصادیق آنها به شمار می‌رود. بر اساس این سیاست، ترکیه از موقعیت جغرافیایی خود طی چند دهه اخیر برای اعمال قدرت نرم و سخت بر کشورهای هدف مانند سوریه و عراق استفاده کرده است و این رویکرد نه تنها به امنیت ملی (مانند کنترل شورش‌های کردی) کمک می‌کند، بلکه به عنوان اهرمی دیپلماتیک و اقتصادی عمل می‌نماید.

زمینه تاریخی و تکامل هیدروپلیتیک ترکیه

سیاست‌های آبی ترکیه که در دوران آتاتورک(۱۹۲۰-۱۹۳۰) بیشتر بر توسعه داخلی و تامین امنیت غذایی متمرکز بود، با شروع پروژه‌های بزرگ سدسازی مانند سد «کبان» در استان «الازیغ» بر روی فرات در سال ۱۹۶۵، جنبه‌های فرامرزی پیدا کرد.

در این دوره، آب به عنوان ابزاری برای مبادله نفت در برابر آب مطرح شد؛ جایی که ترکیه پیشنهاد صادرات آب به کشورهای عربی را در ازای نفت داد.

این ایده توسط «تورگوت اوزال»، هشتمین رئیس‌جمهور ترکیه در سال ۱۹۸۶ به اوج رسید که نشان‌دهنده گذار هیدروپلیتیک از سیاست‌های داخلی به راهبردی بود.

«اوزال» طی سال ۱۹۸۸ میلادی اظهار کرد: «همانطور که ما به اعراب نمی‌گوییم با نفتشان چه کاری انجام دهند، هیچ پیشنهادی هم از آنان در خصوص چگونگی استفاده از آبهایمان نمی‌پذیریم».

پروژه جنوب شرقی آناتولی، نقطه عطف هیدروپلیتیک ترکیه

پروژه جنوب شرقی آناتولی که در ترکیه از آن با عنوان «گاپ» یا «GAP» یا «Güneydoğu Anadolu Projesi» یاد می‌شود، نقطه عطف هیدروپلیتیک این کشور به شمار می‌رود.

این پروژه شامل ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه هیدروالکتریک است و علاوه بر اهداف توسعه داخلی، به عنوان ابزاری برای کنترل سیاسی و نظامی بر مناطق کردنشین و اعمال فشار بر سوریه و عراق در نظر گرفته شد.

طبق تحلیلی که در مجله «Water Alternatives» طی سال ۲۰۰۸ میلادی منتشر شد، ترکیه از دهه ۱۹۸۰ «هیدروهژمونی» را از طریق کنترل هیدرولیکی پیگیری کرد، که شامل تهدیدهای ضمنی قطع آب می‌شود.

این رویکرد همزمان با قدرت نظامی مانند عملیات علیه «پ.ک.ک» در سال ۱۹۸۴ میلادی و انرژی همچون افزایش وابستگی به هیدروپاور (تولید برق از آب جاری) ادغام شد و آب را به «سلاح نرم» برای دیپلماسی تبدیل کرد.

تشدید هیدروپلیتیک ترکیه در دهه ۱۹۹۰

پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی نیز ترکیه نقش فعال‌تری در خاورمیانه ایفا کرد و آب به بخشی از راهبرد ترکیه در سیاست خارجی تبدیل شد تا جایی که «احمد داوداوغلو» طی سال ۲۰۰۱ میلادی در کتاب خود با عنوان «عمق استراتژیک» نیز به همین هیدروپلیتیک اشاره دارد.

ترکیه در سال ۱۹۹۰ میلادی سد آتاترک را پر کرد و جریان آب فرات را تا ۷۰ درصد کاهش داد که نمونه‌ای از استفاده از آب به عنوان اهرم در برابر سوریه آن دوران بود.

مقاله‌ای هم طی سال ۲۰۱۴ میلادی در «Middle East Journal» توسط «مارک دورمن» و «رابرت‌هاتم» منتشر شد که نشان می‌دهد هیدروپلیتیک در این دهه روابط ترکیه- عراق- سوریه را به شدت تحت تأثیر قرار داد و با ترانزیت انرژی مانند خط لوله انتقال نفت خام باکو- تفلیس- جیهان (که از میدان نفتی آذری- چیراگ- گونشلی در دریای خزر آغاز می‌شود و تا دریای مدیترانه ادامه می‌یابد) در ۱۹۹۹ میلادی ترکیب شد.

هیدروپلیتیک ترکیه فراتر از سوریه و عراق

سیاست مرتبط با کنترل و بهره‌برداری از منابع آبی ترکیه در سال‌های اخیر از سوریه و عراق فراتر رفته و عربستان نیز جزو کشورهای هدف قرار گرفته است.

منبع اصلی تامین آب در این طرح تأسیسات ساخته شده روی رودخانه «مانـاوگات» معرفی می‌شود؛ همان رودخانه‌ای که در سال ۱۳۸۴ شمسی قرارداد ۲۰۰ میلیون دلاری برای فروش سالانه ۵۰ میلیون مترمکعب از آب آن به مدت ۲۰ سال به رژیم صهیونیستی فراهم شده بود ولی ۲ طرف در مورد نرخ آب و بهره‌برداری و انتقال آب به سرزمین‌های اشغالی اختلاف‌نظرهایی داشتند.

به گزارش خبرگزاری آناتولی ترکیه «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور این کشور طی سال ۲۰۲۳ میلادی از مطالعات فروش آب به عربستان سعودی خبر داد؛ هرچند که علاوه بر جنبه‌های مثبت پروژه برای ترکیه، وجود ریسک‌های زیست‌محیطی نیز هرچند محدود، در رسانه‌های معتبر مطرح شد.

روزنامه «سزجو/ Sözcü» ترکیه در ادامه با انتشار محتوایی با عنوان «طرح فروش آب به عربستان سعودی! آب ترکیه در حال اتمام است»، تاکید کرد که آب یک منبع راهبردی است و قبل از صادرات آن، باید نیازهای داخلی تضمین شود.

آیا توافق آنکارا با بغداد از هیدروپلیتیک ترکیه تاثیر گرفت؟

توافق اخیر آنکارا با بغداد درباره تقسیم و مدیریت منابع آبی دجله و فرات در حالی امضا شد که برخی از کارشناسان محیط زیست و اقتصاد عراق آن را نه پایان بحران، بلکه آغاز دوره‌ای تازه از وابستگی دانستند.

زیرا ترکیه با وعده رهاسازی محدود آب و اجرای پروژه‌های مشترک، در عمل به بازیگر تعیین‌کننده در سیاست آبی عراق تبدیل می‌شود که به نوعی «اهرم فشار اقتصادی و سیاسی» جدید آنکارا علیه بغداد است و البته هیدروپلیتیک ترکیه را در ذهن تداعی می‌کند. این توافق در شرایطی به دست آمد که عراق توسط سازمان ملل متحد به عنوان یکی از پنج کشور آسیب‌پذیر در برابر تغییرات اقلیمی جهان رتبه‌بندی شد و گفته می‌شود بدترین خشکسالی خود در دهه‌های اخیر را تجربه می‌کند.

تا جایی که وزارت منابع آب این کشور گزارش داده که ذخایر آبی این کشور در پایین‌ترین سطح خود در ۸۰ سال گذشته قرار دارد و این شرایط باعث بروز ریزگردها در این کشور و حتی ورود آنها به استان‌های غربی ایران شده است.

بر اساس اعلام ترکیه و در پی این توافق یک میلیارد مترمکعب آب به عراق رهاسازی خواهد شد و به‌مدت پنج سال، مدیریت جریان‌های آبی و زیرساخت‌های مرتبط با آن با نظارت مستقیم آنکارا انجام می‌گیرد.

همچنین ترکیه اختیارات فنی و اداری در مدیریت منابع آبی عراق خواهد داشت در ازای لغو برخی بدهی‌ها و افزایش سقف مبادلات تجاری ۲ کشور به ۳۰ میلیارد دلار در سال؛ علاوه بر آن طرف ترکیه‌ای مسئول سدها، مخازن و زیرساخت‌های آبی در طول اجرای توافق خواهد بود.

چالش‌ها و چشم‌اندازها هیدروپلیتیک ترکیه

اگرچه هیدروپلیتیک به ترکیه در زمینه‌های مختلفی چون توافق امنیتی «آدانا» با سوریه کمک کرد اما به تنش‌های مداوم مانند کاهش جریان دجله در عراق نیز منجر شد؛ بر همین اساس به همان میزان که این سیاست برای ترکیه مفید به نظر می‌رسد، احتمالا به همان اندازه و شاید کمی بیشتر نیز در کشورهای هدف دارای تبعات منفی باشد.

البته نگرانی‌هایی هم در خصوص تغییرات اقلیمی ترکیه وجود دارد و اعتراض‌های داخلی و افزایش سطح آگاهی ملت‌های منطقه در خصوص هیدروپلیتیک ترکیه از دیگر موانع پیش‌روی این هیدروپلیتیک محسوب می‌شود.

در نهایت به نظر می‌رسد اثربخشی هیدروپلیتیک ترکیه در سال‌های پیش‌رو رفته‌رفته کاهش یابد و مدیریت منابع آبی ترکیه نه برای اعمال قدرت بلکه برای تامین نیاز داخلی این کشور به کار گرفته شود.

زمان احتمالی بازگشت اسرائیل به جنگ با ایران

راز زمیت تحلیلگر اسرائیلی حوزه ایران درباره گزارش نیویورک‌تایمز نوشت: در حال حاضر، ما در مرحله‌ای هستیم که می‌توان آن را «مدیریت درگیری» نامید؛ و همان‌طور که از سایر صحنه‌ها آموخته‌ایم، «مدیریت درگیری» می‌تواند دوام داشته باشد تا زمانی که دیگر دوام نیاورد.

در ادامه این مطلب آمده است: آنچه روشن است این است که:

الف) برنامه هسته‌ای ایران نابود نشده است. از همان ابتدا مشخص بود که یک عملیات نظامی مشترک اسرائیل و آمریکا می‌تواند توانمندی‌های ایران را به عقب براند، اما نابودی کامل همه ظرفیت‌های غنی‌سازی ممکن نیست، و قطعاً دانش و فناوری هسته‌ای را نمی‌توان از بین برد.

ب) ایران در حال بازسازی موشک‌ها، سامانه‌های پدافند هوایی و بخشی از توانمندی‌های هسته‌ای خود است. این امر نیز نباید باعث شگفتی کسی شود.

ج) در غیاب یک توافق میان ایالات متحده و ایران درباره مسئله هسته‌ای، وضعیت موجودی که پس از جنگ ایجاد شده است دوام چندانی نخواهد داشت. این وضعیت ناپایدار و خطرناک است؛ هم به دلیل خطر محاسبه اشتباه میان ایران و اسرائیل، و هم به این علت که ممکن است ایران در مقطعی دست به اقداماتی خطرناک بزند که واکنش متقابل را ضروری کند.

این توافق لازم نیست یک قرارداد هسته‌ای جدید چندصدصفحه‌ای باشد، اما باید دست‌کم در بدترین حالت، وضعیت فعلی را منجمد کند (نه از سرگیری غنی‌سازی و نه حمله جدید) و در بهترین حالت، نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بازگرداند و درباره مواد شکافت‌پذیری که در ایران باقی مانده، تصمیم‌گیری کند.

با این حال، برخلاف کارشناسانی که در مقاله نیویورک‌تایمز به‌درستی درباره دشواری حفظ وضعیت موجود در طول زمان هشدار داده‌اند، باید «منابع رسمی» را همان‌طور که معمولاً با اظهارات منابع رسمی برخورد می‌شود، در نظر گرفت: به‌عنوان پیام‌هایی که برای طرف مقابل فرستاده می‌شوند.

در این زمینه، یادآوری چند نکته مفید است:

الف) ایران در حال حاضر گزینه‌های خوبی در اختیار ندارد. روند بازسازی آغاز شده، اما به زمان نیاز دارد. تهدیدهای ایران را نباید دست‌کم گرفت. ایران در حال حاضر نه‌تنها درگیر بازسازی توان نظامی، بلکه با چالش‌های عمده دیگری روبه‌رو است. اکنون زمان مناسبی برای آغاز جنگی تازه نیست.

ب) اسرائیل نیز به این زودی‌ها وارد درگیری دوباره نخواهد شد. نه فقط به این دلیل که باید درس‌هایی بگیرد، توانمندی‌هایش را بازسازی کند و برای کارزاری تازه آماده شود — کارزاری که احتمالاً شبیه جنگ پیشین نخواهد بود — بلکه به این دلیل که به‌خوبی روشن است دستاوردهای نظامی‌ای که در کارزار بعدی (در صورت وقوع در آینده نزدیک) می‌توان ارائه کرد، به‌ویژه در رابطه با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، در مقایسه با جنگ ۱۲روزه بسیار محدود خواهد بود.علاوه بر این، حتی اگر ایران تصمیم‌های خطرناکی بگیرد — برای مثال از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم — معضل اسرائیل ساده نخواهد بود و ناچار است طیفی از عوامل را در نظر بگیرد: توانایی‌های عملیاتی، هزینه آغاز مجدد درگیری، موضع دولت آمریکا و معنای تصمیم ایران برای مدت زمان دستیابی به سلاح هسته‌ای.

جمع‌بندی:

واقعیتی پیچیده و ناپایدار در پیش است. هیچ‌یک از بازیگران — نه ایران، نه اسرائیل و نه ایالات متحده — راه‌حل‌های ایدئالی برای این وضعیت در اختیار ندارند، و همه گزینه‌ها یا مشکل‌زا هستند، یا خطرناک، یا زیان‌بار. در حال حاضر، ما در مرحله‌ای هستیم که می‌توان آن را «مدیریت درگیری» نامید؛ و همان‌طور که از سایر صحنه‌ها آموخته‌ایم، «مدیریت درگیری» می‌تواند دوام داشته باشد تا زمانی که دیگر دوام نیاورد.

همسایگی در خاورمیانه و ضرورت هوشیاری بغداد در بزنگاه

انتخابات پارلمانی عراق عصر دیروز پایان یافت و تا دو هفته آینده هم پرونده این انتخابات بسته خواهد شد اما پارلمان روی کار آمده فارغ از جریان‌های پیروز حاضر در آن حاصل اراده مردم عراق است؛ اراده‌ای که مورد احترام ایران است.

همسایه غربی ایران، در یک ماه اخیر یکی از مهمترین برهه‌های سیاسی خود را می‌گذراند؛ انتخابات پارلمانی برای تشکیل مجلس تازه. پروسه‌ای سخت برای کشوری که سال‌ها در بند دیکتاتوری صدام حسین بوده و پس از آن هم روزهای سخت اشغالگری آمریکا را از سر گذارنده است. از سوی دیگر این انتخابات را نوع متفاوت برگزاری آن، تاثیرگذاری بر تشکیل دولت، تنوع مذهبی و قومی در عراق و نیز شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به یکی از حساس‌ترین انتخابات سال‌های اخیر در این کشور تبدیل کرده است.

امروز سه‌شنبه ۲۰ آبان ماه نزدیک به ۲۱میلیون عراقی واجد شرایط رای دادن در ۴هزار و ۵۰۱ حوزه رای‌گیری در سراسر این کشور از بین بیش از ۷هزار و ۷۵۰ نامزد، ۳۲۹ نماینده را انتخاب خواهند کرد. در این انتخابات، ۳۷ ائتلاف سیاسی، ۳۸ حزب و ۸۰ نامزد مستقل رقابت می‌کنند.اهمیت و حساسیت این فرایند برای همسایگان عراق به ویژه ایران، قابل درک و پذیرفتنی است و از این رو، سخنگوی وزارت امور خارجه و دیگر مقامات تهران از هر تریبونی ضمن استقبال از برگزاری روند دموکراتیک در شهرهای عراق، بر استقلال بغداد در تعیین سرنوشت سیاسی خود تاکید ویژه دارند. در تازه‌ترین این اظهارات روز دوشنبه ۱۹ آبان ماه «اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری به پرسش‌های خبرنگاران درباره انتخابات عراق پرداخت.

آرزوهای ایران برای عراق مستقل

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به این پرسش که «به تازگی فواد حسین (وزیر خارجه عراق) اظهار داشته، کنار نیامدن ایران و آمریکا مشکل بغداد نیست و عراق می‌خواهد با هر دو طرف رابطه خوبی داشته باشد.

ایشان همچنین ایران را همسایه بزرگ و آمریکا را دوست و متحد عراق توصیف کردند. به نظر شما، این اظهارات تا حدی عجیب نیست؟

و سؤال دوم اینکه، به انتخابات عراق اشاره کردید؛ جمهوری اسلامی ایران چه موضعی در قبال انتخابات اخیر عراق داشته و آیا حمایت خاصی از کاندیداها یا احزاب خاصی داشته است؟» گفت: همسایه بزرگ قطعاً می‌داند که چگونه مشکلات خود را با سایر بازیگران مدیریت کند. ما رابطه‌مان با عراق رابطه‌ای بسیار مهم و دوستانه است. اطمینان داریم که نتایج انتخابات هرچه باشد، باز هم این روند دوستانه میان دو ملت ادامه پیدا خواهد کرد. ما متوجه هستیم که فضای سیاسی موجود در عراق، فضایی انتخاباتی است.

نگاه

نشست مسکو و معماری تازه امنیتی در اوراسیا

عبدالناصر نورزاد در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد؛ نشست اخیر فرمت مسکو تنها یک گردهمایی دیپلماتیک معمول نبود؛ بلکه پیام آشکاری از تغییر در قاعده بازی قدرت در بستر افغانستان و فراتر از آن است. در این نشست، روسیه تلاش کرد تا در میانه رقابت سخت شرق و غرب، با نمایش یک هم‌گرایی نوپا اما حساب‌شده، طرح تازه‌ای از «امنیت اوراسیایی» را به نمایش بگذارد. پیام مسکو روشن بود: بازیگران فرامنطقه‌ای، به‌ویژه ایالات متحده، نباید گمان کنند که افغانستان همچنان میدان بی‌هزینه‌ای برای بازگشت و مدیریت بحران از دور باقی مانده است.

این نشست در واقع پاسخی است به زمزمه‌های اخیر درباره احتمال بازگشت نظامی امریکا به افغانستان، به‌ویژه در پی شایعات مربوط به تصرف مجدد فرودگاه بگرام. مسکو با همراهی متحدانش از چین تا ایران و آسیای میانه، مأموریتی پرریسک اما راهبردی را آغاز کرده است؛ مأموریتی برای گران‌تر ساختن هزینه حضور دوباره غرب در منطقه. آنچه امروز در مسکو شکل می‌گیرد، تلاش برای تثبیت مکانیزم «منطقه‌ای‌سازی مدیریت بحران افغانستان» است؛ فرآیندی که هدف آن انتقال محور تصمیم‌گیری از واشینگتن به پایتخت‌های منطقه‌ای است.

روسیه در این نشست چند پیام موازی را ارسال کرد: نخست، هشدار صریح به امریکا و متحدانش درباره هرگونه تلاش برای ایجاد زیرساخت نظامی یا امنیتی در افغانستان یا پیرامون آن؛ دوم، تأکید بر این‌که مسکو دیگر نیازی به میانجی‌گری هیچ قدرت ثالثی ندارد و خود را بازیگر اصلی پرونده افغانستان می‌داند؛ و سوم، تلاش برای ادغام طالبان در ساختار امنیت‌محور منطقه‌ای به‌عنوان بخشی از معماری جدید اوراسیا، البته با پذیرش مدیریت ریسک و احتمال بازتاب‌های ناخواسته.

دعوت رسمی از امیرخان متقی، وزیر امور خارجه طالبان، یکی از نشانه‌های مهم این راهبرد بود. این دعوت نه به معنای مشروعیت‌بخشی کامل، بلکه ابزاری هوشمندانه برای نمایش توان بازیگری روسیه در میانه فضای بی‌ثباتی ناشی از خروج امریکاست. حضور هم‌زمان نماینده بلاروس نیز پیامی بود مبنی بر گسترش افق ژئوپلیتیکی مسکو از آسیای مرکزی تا محورهای غربی اوراسیا. این ترکیب، نماد نظمی در حال تولد است که در آن طالبان، به‌جای دشمن یا تهدید، به ابزار تنظیم معادله امنیت منطقه‌ای بدل می‌شوند. در این چارچوب، چهار قدرت کلیدی منطقه نیز در محورهای خاص خود فعال‌اند. هند در مسیر تماس‌های محتاطانه با کابل حرکت می‌کند تا در برابر نفوذ انحصاری پاکستان نوعی بازدارندگی ایجاد کند. ایران بر سه محور امنیت مرزی، آب هیرمند و پروژه‌های انرژی و ترانزیت تمرکز دارد. چین نیز افغانستان را حلقه فراموش‌شده‌ای در زنجیره کمربند راه می‌بیند و از مسیر واخان و معادن عینک به دنبال اتصال راهبردی است. در سوی دیگر، پاکستان تلاش دارد هم نفوذ استخباراتی خود را حفظ کند و هم هزینه پناه‌دادن به تحریک طالبان پاکستان را به کابل منتقل کند؛ اما روند منطقه‌ای‌سازی مسکو، عملاً از قدرت وتوی اسلام‌آباد کاسته است. به موازات این تحولات، دو روند متضاد اما همزمان در جریان است: یکی تلاش بلوک اوراسیایی برای ادغام طالبان در نظم جدید منطقه‌ای و دیگری فشار قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای پاسخ‌گو ساختن و تنبیه طالبان به‌دلیل رفتارهای غیرقابل‌پیش‌بینی‌شان.

ژئوپولیتیک

اختلافات مزمن عربستان و مصر

روزنامه «الاخبار» لبنان با اشاره به اختلاف نظر مصر و عربستان بر سر موضوعات منطقه‌ای نوشت: قاهره با وجود طیف گسترده‌ای از اختلافات با ریاض، برای ترمیم روابط با عربستان سعودی عجله‌ای ندارد. به گزارش روز سه‌شنبه ایرنا، روزنامه الاخبار لبنان در مطلبی با اشاره به اختلاف نظر گسترده مصر و عربستان درباره موضوعات منطقه‌ای آورده است: دولت قاهره که با هماهنگی دوحه موفق به برقراری آتش‌بس در غزه با کمترین خسارت سیاسی برای مقاومت شد، اکنون با اختلافات فزاینده‌ای با عربستان روبه رو است. به نوشته این روزنامه، اکنون در اوج واگرایی راهبردی از غزه تا ایران و درگیری بر سر نفوذ منطقه‌ای و فاصله در دیدگاه سیاسی، روابط مصر و عربستان مانند ماه‌های قبل نیست بلکه پرتنش شده است و این در سایه تضاد منافع و تعمیق اختلافات درباره موضوعات منطقه‌ای است که اوج شکاف میان دو کشور را نشان می‌دهد.

منابع مصری افزودند: ریاض مدت‌ها با قاهره برای دستیابی به توافق آتش‌بس همکاری کرده بود و به همراه متحدش ابوظبی امیدوار بودند که توافقاتی حاصل شود که دربرگیرنده امتیازهای زیادی به زیان مقاومت تاحد تسلیم شدن مقاومت باشد اما این موضوع مصر را بر آن داشت بر اساس دیدگاهش نسبت به مقاومت به عنوان سنگری که نباید سقوط کند، در مراحلی از مذاکرات برای آتش‌بس در غزه به‌تنهایی (بدون مشارکت ریاض) عمل کند و حتی «عبدالفتاح السیسی» رئیس جمهور مصر اندکی قبل از برقراری آتش بس غزه، اسرائیل را برای اولین بار دشمن توصیف کرد. این در حالی است که عربستان سعودی هنوز «طوفان الاقصی» را رویدادی می‌داند که مسیر عادی‌سازی کامل روابط با اسرائیل و پایبندی به «توافقات ابراهیم» را مختل کرده است؛ توافق‌نامه‌هایی که پیش از این کانال‌های ارتباطی بین ریاض و تل‌آویو برای آنها ایجاد شده بود.

منابع مصری اعلام کردند: همزمان با آتش‌بس در غزه، «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا در تلاش است تا این توافق‌نامه‌ها را گسترش دهد، در حالی که امارات نقش محوری در این موضوع ایفا می‌کند و برای ایجاد فضایی منطقه‌ای تلاش می‌کند که به عربستان سعودی اجازه می‌دهد بعدها بدون اعتراض به آن بپیوندد.

از سوریه تا حزب‌الله لبنان و سودان؛ طیف گسترده اختلافات قاهره و ریاض

الاخبار افزود: اختلاف بین قاهره و ریاض محدود به مسائل سیاسی نیست، بلکه به روابط مستقیم بین سران دو کشور نیز کشیده شده است. السیسی از نحوه مدیریت امور منطقه‌ای توسط محمد بن سلمان، حاکم واقعی (دفاکتو) عربستان، «ناراضی» است. بن‌سلمان هیچ تمایلی به اصلاح سیاست‌های خود که آنها را به نفع عربستان و منطقه می‌داند، نشان نمی‌دهد. بن سلمان همچنین پروژه‌های برنامه‌ریزی شده سرمایه‌گذاری عربستان در دریای سرخ را به عنوان بخشی از فعال کردن ابزارهای فشار اقتصادی بر قاهره، متوقف کرده است. با این حال، تنش‌های سیاسی بر هماهنگی نظامی بین دو کشور تأثیری نگذاشته است؛ همکاری بین آنها همچنان برای تأمین امنیت دریانوردی در دریای سرخ و کانال سوئز ادامه دارد. به موازات این همکاری، هماهنگی بین قاهره و جنبش انصارالله یمن نیز ادامه دارد و گزارش‌هایی حاکی از تفاهم‌های اطلاعاتی با هدف بازگرداندن فعالیت کامل در کانال سوئز پس از دو سال کاهش است که بر اقتصاد مصر تأثیر گذاشته است.